

وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران و کانادا:  
مورد دانشگاه تهران و دانشگاه آلبرتا

Situation of Graduate Employment in the Field of Psychology in Iran and  
Canada: University of Tehran and University of Alberta

Mohammad Reza Keramati

محمد رضا کرامتی\*

**Abstract**

This research reviewed graduate employment in the course of Psychology in the form of mixed method and qualitative method at university of Tehran and university of Alberta as largest universities of Iran and Canada. Statistical society in study one was graduates of department of psychology in faculty of psychology and education at university of Tehran. Results in study one indicated percentage of employment in 2001 was approximately three times in 2008, while number of graduates was the most in 2008. Percent of unemployment, job fitness, and obligation for continuing more education was satisfaction. Duration of unemployment was 1-3 years. Annual salary was 4-6 thousand \$ and Networks were the main strategy for job search. Statistical society in study two was graduates of department of psychology at university of Alberta. Results in study two indicated job fitness is not satisfied. Findings clarified willingness to private sector and continued for more education. Duration of unemployment was 2 years. Job prospectus of graduates was almost excellent. Annual salary was 70-80 thousand \$. Networks were the main strategy for job search. Part time and volunteering work was important factors for employment.

**Keywords:** employment, graduate, psychology, university of Tehran, university of Alberta.

**چکیده**

این مطالعه وضعیت دانش‌آموختگان رشته روانشناسی را در دو دانشگاه بزرگ در ایران و کانادا در قالب دو مطالعه به روش آمیخته و کیفی بررسی کرد. جامعه آماری در مطالعه اول شامل دانش‌آموختگان گروه روانشناسی سال‌های 1380 تا 1387 دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بود. نتایج نشان داد میزان اشتغال دانش‌آموختگان سال 1380 بیشتر از سال 1387 است، وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان از نظر میزان اشتغال، تناسب شغلی، نوع اشتغال و اجبار برای ادامه تحصیل رضایت‌بخش است، طول دوره بیکاری دانش‌آموختگان بین 1 تا 3 سال است، حقوق سالانه آنها بین 4 تا 6 هزار دلار و شبکه‌های دوستی مهمترین راهبرد شغلی‌یابی است. نتایج مصاحبه آنلاین نیز این نتایج را تایید نمود. نمونه‌های پژوهش در مطالعه دوم از بین دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی رشته روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آلبرتا در سال‌های 2004 تا 2010 انتخاب شدند. عدم تناسب شغلی و تمایل به اشتغال در بخش خصوصی و عدم اجبار برای ادامه تحصیل مشهود بود. طول دوره بیکاری حدود 2 سال، چشم‌انداز شغلی نسبتاً عالی و میانگین حقوق سالانه بین 70 تا 80 هزار دلار بود. شبکه‌های دوستی مهمترین راهبرد شغلی‌یابی و کار پاره‌وقت و داوطلبانه مهمترین عامل اشتغال بود.

**واژگان کلیدی:** اشتغال، دانش‌آموخته، روانشناسی، دانشگاه تهران، دانشگاه آلبرتا

email: mkeramty@ut.ac.ir

\* عضو هیات علمی دانشگاه تهران

Received: 15 Apr 2013 Accepted: 9May 2014

پذیرش: 93/2/19

دریافت: 92/1/26

## مقدمه

طی چند دهه اخیر بیکاری تحصیل کرده‌ها در اکثر کشورها به صورت یک مسئله جدی در آمده است. به‌عنوان مثال، در پایان سال 1999 تعداد 29000 نفر دانش‌آموخته جوان دانشگاه‌های فرانسه که 17 درصد کل دانش‌آموختگان آن سال را تشکیل می‌دادند، در ادارات کارایی به‌عنوان افراد جویای کار ثبت نام کرده بودند. در ژاپن 13 درصد دانش‌آموختگان سال 1996 تا پایان آن سال کار پیدا نکرده بودند. طی سال‌های 2001-1987 عرضه دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کانادا و ایالات متحده یک میلیون نفر بیشتر از تقاضا بود. طی سال‌های 1988-1998، 26/5 درصد دانش‌آموختگان دانشگاهی اسپانیا و 33 درصد دانش‌آموختگان اکوادور در جستجوی کار بوده‌اند و درصد جویندگان کار تحصیل کرده دانشگاهی از 1066000 نفر در سال 1986 به 1599000 نفر در سال 1995 افزایش یافت (مالوچ، 2010). در این زمینه ایران نیز همانند سایر کشورها با چالش‌هایی روبرو بوده است. در ایران هر سال بیش از 270000 دانشجوی از دانشگاه‌های مختلف دانش‌آموخته می‌شوند و اغلب انتظار دارند در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی‌شان مشغول به کار شوند که تقاضاهای شغلی سال‌های گذشته را هم باید بر این تعداد افزود (عزیزی و حسینی، 1388). قرایی مقدم (1377) با بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در ایران نتیجه گرفت در کلیه رشته‌های علوم انسانی، فنی و پزشکی طی 56 سال گذشته تعداد دانش‌آموختگان روند صعودی داشته، و علاوه بر آن دانشگاه‌ها در کلیه مقاطع به ویژه مقطع کارشناسی تعداد بیشتری به نسبت سال-های قبل پذیرش دانشجو داشته‌اند. شاه حسینی (1369) با بررسی وضع اشتغال کارشناسان مامایی به این نتیجه رسید که با گذشت زمان وضعیت اشتغال در بین دانش‌آموختگان مامایی بغرنج تر می‌گردد. اسدزاده (1382) نیز با بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان به این نکته پی برد که با گذشت زمان نرخ بیکاری افزایش می‌یابد. این شرایط موجب شده نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در ایران بین 14 تا 21 درصد در نوسان باشد (علی‌بیگی و زرافشان، 2006)، و چشم‌انداز شغلی آنان به ویژه در رشته‌های علوم انسانی در وضعیت مناسبی قرار نگیرد. البته این شرایط در کشورهای مختلف متفاوت است. به عنوان نمونه، می‌توان به گزارش امیدوارکننده مرکز آمار اشتغال آمریکا اشاره کرد که در آن میزان تقاضا برای حرفه معلمی و خدمات روانشناختی در آینده بیش از تقاضای نیروی انسانی برای بخش‌های اقتصادی و اجتماعی برآورد شده است (فاگ هارینگتون و هارینگتون، 2004. اداره اشتغال و مهاجرت دولت آلبرتا، 2009 ب) یا به گزارش تیلاک (2011). گرچه این تفاوت‌ها گاهی ریشه بین فرهنگی دارد، اما در بسیاری از موارد می‌تواند به نوع برنامه‌ریزی کشورها مرتبط گردد. پژوهش حاضر قصد ندارد این تفاوت‌ها را بررسی کند، بلکه درصدد است وضعیت اشتغال را به صورت دو پژوهش جداگانه در ایران و کانادا در قالب دو سؤال اصلی مطالعه نماید:

1. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی دانشگاه تهران چگونه است؟
2. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی دانشگاه آلبرتا چگونه است؟

## پیشینه پژوهش

مخالفان توسعه کمی آموزش عالی استدلال می‌کنند که در اغلب کشورها تقاضا تناسبی با عرضه شغل ندارد (کالاچر، 2010)، و از این رو بهتر است به جای عمومیت‌دادن آموزش عالی، آن را محدود کرد (امیری، 1387). در مقابل موافقان معتقدند آموزش در هر شرایطی موجب افزایش توان‌مندی و جریان درآمدی گردیده (قارون، 1385).

یانگ، 2010. OECD، 2000. نیکل، 1979. مینسر، 1991. ولبرس، 2000)، و ضمن افزایش ثبات شغلی افراد و کاهش نرخ بیکاری، رشد جامعه را در ابعاد مختلف به دنبال دارد (فیلر، هامرماش و رییز، 1996). در راستای دیدگاه دوم دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران همه ساله دانش‌آموختگانی را در رشته‌های مختلف تحصیلی به جامعه و بازار کار عرضه می‌نماید (عزیزی، 1383) که رشته روانشناسی از آن جمله است. این دانشگاه همسو با رویکردهای غالب بین‌المللی باور دارد که نیروی انسانی تحصیل‌کرده به مراتب بیشتر از نیروی انسانی غیر تحصیل‌کرده در رشد و توسعه اقتصادی نقش دارد و همچنین امکان یافتن شغل نیز برای افراد تحصیل‌کرده بیش از افراد غیر تحصیل‌کرده است (مرکز اشتغال و توسعه حرفه‌ای آلبرتا، 1991 الف، 1991، ب، 1981). اما از سوی دیگر گزارش یونسکو در خصوص علل بیکاری تحصیل‌کرده‌ها نشان می‌دهد مهمترین عامل بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها آن است که برای خدمات آنان از سوی بازار کار تقاضای کافی وجود ندارد (مک اینتوش، 2008). موفقیت در یافتن شغل عوامل گوناگونی دارد که اولین عامل، رشته تحصیلی و دومین عامل مدرک دانشگاهی است (مرکز اشتغال و توسعه حرفه‌ای آلبرتا، 1991 ب، مارتینز، سدلاسک و باکوبر، 1987). سومین عامل، مهارت‌های بین‌فردی و کسب و کار (بام‌گاردنر، 1989)، دانش، توانایی، ویژگی‌های شخصی، مهارت‌های ارتباطی، سواد کامپیوتری و مهارت‌های تفکر است. چهارمین عامل، مدیریت شخصی نظیر مهارت‌های سازمانی، مهارت مدیریت پول و مدیریت زمان است. پنجمین عامل، مهارت‌های ویژه شغلی هستند که معمولاً از طریق آموزش، مشاهده و تمرین به دست می‌آیند (اداره اشتغال و مهاجرت دولت کانادا، 2009 الف) و ششمین عامل، برقراری ارتباط مثبت از طریق افراد و شبکه‌ها می‌باشد. از طریق شبکه‌ها دانش‌آموختگان می‌توانند شغل مورد نظر را جستجو نموده و با کسب اطلاعات بیشتر در مورد مشاغل مختلف، شغل متناسب با شرایط خود را برگزینند (اداره اشتغال و مهاجرت دولت کانادا، 2009، الف و ب).

گرچه تغییرات بازار کار در حوزه روانشناسی نیز مانند سایر حوزه‌ها تابع قانون عرضه و تقاضاست (فاین، 2005)، اما به نظر می‌رسد در این حوزه نسبت به سایر حوزه‌ها فرصت‌های شغلی بیشتری وجود دارد زیرا علاوه بر سازمان آموزش و پرورش بسیاری از سازمان‌های نظامی، صنعتی و تجاری خواهان استفاده از خدمات دانش‌آموختگان این رشته در قالب مشاور و مددکار اجتماعی می‌باشند (کوثر و مورگان، 2007، مرکز آمار اشتغال، 2004. فاین، 2005). البته یکی از مشکلات اساسی دانش‌آموختگان امروز به ویژه در کشور کانادا متناسب نبودن شغل با علایق و مهارت‌های آنان است (سازمان چشم‌انداز شغلی کانادا، 1990)، و این مشکلی است که افزون بر پیدا کردن شغل، دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف تحصیلی در ایران نیز با آن مواجه هستند. ضمن اینکه به نظر می‌رسد ارتباط بسیار نزدیکی بین پیدا کردن شغل و مهارت‌های کسب شده در دوران تحصیلات دانشگاهی وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال، پژوهش پزشکی‌راد و همکاران (2005) در ایران نشان داد بین مهارت تدریس دانش‌آموختگان و محتوای آموزشی ارائه شده در دوران تحصیل با توانمندی‌های شغلی آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میرکمالی (1372) نیز با انجام پژوهشی نشان داد بین توانمندی شغلی با تناسب و رضایت شغلی دانش‌آموختگان ارتباط معناداری دیده می‌شود. در این راستا، اسدزاده (1382) نیز بیشترین ارتباط بین شغل و رشته تحصیلی را در رشته‌های روانشناسی و مشاوره اعلام نموده است. عزیزملایی (1376) با بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی در بین گروه‌های علوم انسانی بیشترین تناسب

شغلی را در رشته‌های روانشناسی بالینی و مشاوره گزارش داده است. مظفری (1386) با بررسی و مطالعه مزیت‌های منطقه‌ای در اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان بیشترین رابطه آموزش دانشگاهی با بازار کار را در رشته‌های فنی، علوم تربیتی و روانشناسی به ویژه در استان همدان ذکر کرده است، و نهایتاً این‌که یزدان پناه (1375) با بررسی وضعیت دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) تناسب شغلی را در رشته‌های معارف اسلامی بیش از رشته‌های علوم سیاسی گزارش کرده است. در پژوهش علیزاده (1387) بیشترین تناسب شغلی در گروه علوم تربیتی و روانشناسی مربوط به رشته‌های روانشناسی، مشاوره و آموزش کودکان استثنائی بود. در این راستا، میرکمالی (1372) نیز تناسب شغلی را از نگاه دانش‌آموختگان 66 درصد و از نگاه کارفرمایان 59 درصد گزارش کرد. بهرامی (1376) با بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز در طی سال‌های 1375-1370 بیشترین تناسب شغلی را در رشته‌های مشاوره و سپس روانشناسی می‌داند. طبق پژوهش پدربان (1372) بیشترین ارتباط بین آموزش و اشتغال در بین گروه دانش‌آموختگان فنی و مهندسی دیده می‌شود و این ارتباط بین دانش‌آموختگان رشته روانشناسی و علوم تربیتی به کمترین مقدار خود می‌رسد. گزارش امیری (1372) نشان می‌دهد فقط 25 درصد دانش‌آموختگان کل کشور از تناسب شغل با رشته تحصیلی‌شان برخوردارند. سهرابی و دیگران (1376) نیز بیشترین تناسب شغلی را در گروه‌های فنی، علوم تربیتی و روانشناسی ذکر نموده است. مرشیدی (2009) و لی و همکاران (2008) نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند، اما ضرغامی (1379) تناسب شغلی را در کلیه رشته‌ها بسیار پایین اعلام نموده است. در زمینه جستجوی شغلی نیز گرچه مهارت‌های شخصی افراد نقش دارند، اما راهبردهای جستجو نظیر مطالعه در زمینه مشاغل، جستجو از طریق اینترنت، گفتگو با افراد، ارتباطات دوستانه، شرکت در کارگاه‌ها، ارسال رزومه برای کارفرمایان، استفاده از خدمات مرکز اشتغال دانشگاه (اداره اشتغال و مهاجرت دولت کانادا، 2007 و 2008) و مطالعه آگهی‌ها و روزنامه‌ها نیز اهمیت دارند. راهبرد اخیر می‌تواند به ویژه منبع خوبی برای گشایش شغلی در شهرهای بزرگ باشد (کلی منت، 2007). در این زمینه، آسم (1989) برخورداری دانش‌آموختگان از مهارت‌های محاسباتی و فنی و دانش کاری را مهم می‌داند و کوتر و مورگان (2007) در مورد دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی رشته‌های تعلیم و تربیت و روانشناسی بر این نکته تأکید می‌ورزند که اگر این افراد در ابتدا به‌عنوان دستیار پژوهشی زیر نظر یک استاد دانشگاه یا فرد متخصص دیگر کار کنند، بهتر می‌توانند شغل دلخواه خود را به دست آورند.

مدت زمان بیکاری پس از دانش‌آموختگی نیز مسئله مهمی است که برخی از پژوهش‌ها آن را مورد توجه قرار داده‌اند. مثلاً در سال 2004 مدت زمان دوره بیکاری پس از دانش‌آموختگی در همه رشته‌های تحصیلی 20 ماه بود، اما در برخی از رشته‌ها مانند کتابداری، علوم کاربردی، تربیت بدنی، علوم انسانی و علوم اجتماعی به ترتیب 35، 29، 25، 24 و 23 ماه بود (لیوانس، 2010). بر اساس یافته‌های لیوانس (2010) هر چه سطح تحصیلات دانش‌آموختگان بالاتر باشد، میزان اشتغال آنها در بخش دولتی افزایش و میزان خوداشتغالی و بیکاری کاهش می‌یابد. او در پژوهشی که در کشور یونان انجام داد، علت افزایش دانش‌آموختگان در سال‌های 2000 به بعد را تمایل زیاد جوانان یونانی به ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی اعلام کرد و نشان داد درصد اشتغال رشته‌های علوم تربیتی (86 درصد)، پزشکی (65 درصد)، تربیت بدنی (62 درصد)، علوم انسانی (57 درصد)

وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران و ...

و علوم کشاورزی (52 درصد) در بخش دولتی بیش از سایر رشته‌های تحصیلی است، درصد خوداشتغالی دانش‌آموختگان رشته‌های حقوق (61 درصد)، پزشکی (48 درصد) و علوم کاربردی (38 درصد) بیشتر از سایر رشته‌ها بوده، و همچنین درصد بیکاری در بین دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (23 درصد)، کتابداری (12 درصد) و علوم اجتماعی (11 درصد) بیشتر از سایر رشته‌ها می‌باشد. او همچنین نشان داد میزان بیکاری افراد 15 تا 35 سال بیشتر از افراد 35 تا 55 سال است و اینکه تفاوت معناداری بین سطح تحصیلات (مدرك تحصیلی دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) و اشتغال وجود ندارد. تیلاک (2000) نیز در کشور جمهوری دومینیکن رابطه معنی‌داری بین رشته تحصیلی و نوع اشتغال پیدا نکرد. در این راستا، یافته‌های متوس (2000) نیز رابطه بین نوع اشتغال و رشته تحصیلی را تایید کرد. از آنجا که ممکن است عوامل موثر بر اشتغال در کشورها متفاوت باشد و این تفاوت به خاطر عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گاهی چنان باشد که حتی نتوان به صورت تطبیقی شرایط دو منطقه متفاوت را با یکدیگر مقایسه نمود، در پژوهش حاضر تصمیم گرفته شد این وضعیت در دو کشور کاملاً متفاوت در قالب دو مطالعه مستقل بررسی شود. برای این منظور، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به عنوان بزرگترین دانشگاه ایران و دانشگاه آلبرتا به عنوان دومین دانشکده بزرگ کانادا ایالت آلبرتا مورد مطالعه قرار گرفتند.

## روش

این تحقیق در قالب دو مطالعه متفاوت در ایران و کانادا صورت گرفت. در مطالعه اول که در دانشگاه تهران انجام شد، روش آمیخته (کمی و کیفی) به کار رفت و از پرسشنامه و فرم مصاحبه آنلاین استفاده شد. مطالعه دوم در دانشگاه آلبرتا به روش کیفی (مصاحبه در گروه‌های کانونی) و بررسی اسناد و مدارک انجام شد. روش آمیخته که رویکرد کمی و کیفی را در قالب یک مطالعه واحد یا یک مطالعه چند مرحله‌ای در هم می‌آمیزد (تشریح و تدلی، 1998 و 2002، جانسون و دیگران، 2007)، می‌تواند به شیوه متوالی، هم‌زمان و یا به صورت تغییرپذیر انجام گیرد (کراسول، 2003 و جانسون و دیگران، 2008). در مطالعه حاضر روش آمیخته به شیوه متوالی انجام شد. به این معنا که پژوهشگر ابتدا از پارادایم تحقیق کمی یعنی پرسشنامه استفاده کرد و سپس طرح تحقیق مبتنی بر پارادایم کیفی یعنی مصاحبه آنلاین را به کار برد (بازرگان، 1387). در واقع داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها نه تنها به منظور ایجاد دیدی کلی از وضعیت دانش‌آموختگان، بلکه به عنوان نقطه شروعی که از آن اطلاعات کیفی جمع‌آوری می‌شدند، مورد استفاده قرار گرفتند. این اطلاعات در مطالعه اول از طریق مصاحبه آنلاین و در مطالعه دوم از طریق مصاحبه در گروه‌های کانونی جمع‌آوری شدند. جامعه تحقیق در مطالعه اول 213 نفر از دانش‌آموختگان رشته روانشناسی دانشگاه تهران در سال‌های 1380 الی 1387 بودند. این دانشکده به‌عنوان یکی از 35 دانشکده دانشگاه تهران در 8 گروه آموزشی شامل مبانی فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش، روش‌ها و برنامه‌های آموزشی، کتابداری و اطلاع‌رسانی، روانشناسی، سنجش و تحقیقات آموزشی، آموزش کودکان استثنایی، روانشناسی تربیتی و مشاوره، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا اقدام به پذیرش دانشجو می‌نماید. برای انتخاب نمونه تحقیق جهت تکمیل پرسشنامه محقق ساخته بر اساس جدول کرجسی و مورگان (1970) حجم نمونه 140 نفر تعیین شد. ابتدا پرسشنامه در اختیار 30 نفر از دانش‌آموختگان جهت اظهار نظر قرار داده شد. سپس طبق نظر آنها و نظر متخصصان پرسشنامه نهایی شامل 81 سؤال چهار

گزینه‌ای و کوتاه پاسخ برای اجرا آماده گردید. ضریب پایایی با استفاده از روش بازآزمایی 0/98 به دست آمد. برای مصاحبه در مطالعه اول تعداد 33 نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به صورت آنلاین به مدت 30 دقیقه مورد مصاحبه قرار گرفتند. کار توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در خرداد 1389 و کار مصاحبه آنلاین در خردادماه 1390 انجام شد. در مطالعه دوم از طریق مصاحبه در گروه‌های کانونی، یک نمونه غیراحتمالی تقریباً همگن از جامعه مورد مطالعه برای مصاحبه گروهی انتخاب شد تا کار مصاحبه به سهولت انجام پذیرد. نمونه‌گیری ترکیبی از نوع گلوله برفی و در دسترس بود. در نمونه‌گیری گلوله برفی افراد واجد شرایط که دارای اطلاعات ارزشمندی هستند، انتخاب می‌شوند و در نمونه‌گیری در دسترس برای کوتاه کردن زمان اجرا و کاهش هزینه و نیروی اجرایی، افرادی که در دسترس می‌باشند، گزینش می‌شوند. تعداد افراد گروه‌های کانونی می‌تواند بین 6 تا 12 نفر باشد (بازرگان، 1387). روند کار در مطالعه دوم به این صورت بود که ابتدا از طریق آگهی 19 نفر از دانش‌آموختگان دانشگاه آلبرتا در رشته روانشناسی که در دسترس بودند، به عنوان داوطلب شرکت‌کننده در پژوهش، ثبت نام کردند که در نهایت 12 نفر از آنان که واجد شرایط بودند و تاریخ فراغت از تحصیل‌شان بین سال‌های 2004 تا 2010 بود، برگزیده شدند. میانگین سنی نمونه‌ها برای مصاحبه 24 سال بود. 5 نفر مرد و 7 نفر زن بودند. 8 نفر شاغل و 4 نفر بیکار بودند. داده‌های تحقیق از طریق اسناد در دسترس و بحث و گفتگو در گروه‌های کانونی به دست آمد. در آغاز اطلاعات دموگرافیک از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شد و سپس کار در قالب یک گروه کانونی شروع شد.

تکنیک گروه‌های کانونی از این رو انتخاب شد که محقق نتوانست به نمونه معقولی در جامعه پژوهش دست یابد. از گروه کوچکی از مشارکت‌کنندگان در محیطی آرام خواسته شد تجربیات، باورها و نگرش‌های‌شان را پیرامون موضوع بیان کنند. برای مصاحبه در گروه کانونی 9 جلسه تدارک دیده شد و هر جلسه بین 60 تا 70 دقیقه طول کشید. سه جلسه اول در اتاق محقق در ساختمان دانشکده تعلیم و تربیت دانشگاه آلبرتا و شش جلسه بعدی در کتابخانه عمومی شهر ادمونتون واقع در میدان چرچیل تشکیل شد. اعضاء گروه دور میزی که وسطش یک دستگاه ضبط صدا و امکانات پذیرایی قرار داشت، جمع شدند. ابتدا هماهنگ‌کننده گروه (که در اینجا خود محقق بود) به شرکت‌کنندگان خیرمقدم گفت، و سپس شرکت‌کنندگان به معرفی خود پرداختند. در گام بعدی مصاحبه گروه کانونی به شکلی نیمه سازمان‌یافته و در چارچوبی نسبتاً غیر رسمی و محاوره‌ای شروع شد. علاوه بر ضبط صوت که کل مباحث را ضبط می‌کرد، محقق نیز برخی از نکات اساسی را در تعاملی رو در رو یادداشت می‌نمود. ویژگی‌های فردی، تناسب شغلی، اشتغال در بخش دولتی، اجبار برای ادامه تحصیل، طول دوره بیکاری، حقوق سالانه، چشم‌انداز شغلی، راهبردهای جستجوی شغل و عوامل موثر بر اشتغال محورهای اصلی بحث در گروه‌های کانونی بودند. پاسخ‌ها از طریق ضبط صوت و یادداشت‌های محقق در حین جلسه گردآوری شد و بعد بر اساس 9 محور موضوعی فوق، فراوانی پاسخ‌ها مشخص گردید و سپس برای انجام تحلیل‌های دقیق‌تر محورهایی که داده‌های آنها قابل تبدیل به درصد بودند، به درصد تبدیل شدند و بقیه محورها بر اساس جمع‌بندی مشترک محقق و شرکت‌کنندگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای انتقال دقیق مباحث مطرح شده در گروه کانونی از طریق ضبط صوت به روی کاغذ، یکی از دانشجویان ایرانی‌الاصل دوره دکتری در دانشگاه آلبرتا که مقیم کانادا بود و به زبان محاوره‌ای کانادایی‌ها مسلط بود، به پژوهشگر کمک کرد. پس از مرور متن نوشتاری کدهایی به

وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران و ...

دست آمدند و سپس کدهای تکراری و آنهایی که همپوشی داشتند، حذف شدند تا اینکه تعداد کدها به 20 مورد رسید. بعد از آن با ارتباط دادن دسته‌ای از این کدها با تاکید بر محورهای پژوهش، تعداد کدها در 9 مورد خلاصه شد. این روش در مصاحبه آنلاین مطالعه اول نیز به کار گرفته شد.

### یافته‌ها

مطالعه اول. جدول 1 نشان می‌دهد که بیشترین درصد اشتغال مربوط به سال 1380 است.

**جدول 1: توزیع جمعیت دانش‌آموختگان رشته روانشناسی و درصد اشتغال آنها بر حسب سال**

| سال                         | 1380 | 1381 | 1382 | 1383 | 1384 | 1385 | 1386 | 1387 |
|-----------------------------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| فراوانی توزیع دانش‌آموختگان | 31   | 20   | 31   | 33   | 16   | 32   | 30   | 20   |
| درصد اشتغال دانش‌آموختگان   | 48   | 22   | 18   | 12   | 3    | 12   | 23   | 100  |

جدول 2 درصد بیکاری، تناسب شغلی، درصد اشتغال در بخش دولتی و اجبار برای ادامه تحصیل، و جدول 3 طول دوره بیکاری دانش‌آموختگان را نشان می‌دهد.

### جدول 2: درصد بیکاری، تناسب شغلی، اشتغال در بخش دولتی و اجبار

#### برای ادامه تحصیل دانش‌آموختگان رشته روانشناسی

| مؤلفه‌ها           | بیکاری | تناسب شغلی | اشتغال در بخش دولتی | اجبار برای ادامه تحصیل |
|--------------------|--------|------------|---------------------|------------------------|
| درصد دانش‌آموختگان | 34     | 66         | 70                  | 45                     |

در جدول 3 طول دوره بیکاری دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در قالب چهار دامنه زمانی تعیین شده است.

### جدول 3: طول دوره بیکاری دانش‌آموختگان رشته روانشناسی

| مدت زمان           | کمتر از یک سال | 1 تا 2 سال | 2 تا 3 سال | بیشتر از 3 سال |
|--------------------|----------------|------------|------------|----------------|
| درصد دانش‌آموختگان | 19             | 26         | 35         | 20             |

طبق داده‌های جدول 4 میزان درآمد سالانه دانش‌آموختگان طبق قیمت ارز مرجع (1226 تومان) بین 4 تا 6 هزار دلار است. در این خصوص، تفاوت چندانی چشمگیری بین سطح درآمد دانش‌آموختگان شاغل در رشته‌های مختلف تحصیلی دیده نمی‌شود.

### جدول 4: حقوق سالانه دانش‌آموختگان شاغل رشته روانشناسی طبق قیمت ارز مرجع (1226 تومان)

| حقوق سالانه        | کمتر از 4 هزار دلار | 4 تا 5 هزار دلار | 5 تا 6 هزار دلار | بیشتر از 6 هزار دلار |
|--------------------|---------------------|------------------|------------------|----------------------|
| درصد دانش‌آموختگان | 11                  | 61               | 21               | 7                    |

فصل نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، علمی - پژوهشی، شماره 3، سال پنجم

همانگونه که جدول 5، نشان می‌دهد از نظر چشم‌انداز شغلی، دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارند.

**جدول 5: چشم‌انداز شغلی دانش‌آموختگان رشته روانشناسی بر حسب درصد**

| سطح مطلوبیت                   | مطلوب | نسبتاً مطلوب | نامطلوب |
|-------------------------------|-------|--------------|---------|
| نظر دانش‌آموختگان بر حسب درصد | 30    | 42           | 28      |

طبق داده‌های جدول 6، شبکه‌های دوستی بیش از سایر راهبردها مورد توجه دانش‌آموختگان بوده و پس از آن روزنامه بیشترین کاربرد را داشته است.

**جدول 6: راهبردهای جستجوی شغلی در رشته روانشناسی بر حسب درصد**

| راهبردها                      | روزنامه | شبکه‌های دوستی | محیط دانشگاه | رزومه | سایر |
|-------------------------------|---------|----------------|--------------|-------|------|
| نظر دانش‌آموختگان بر حسب درصد | 25      | 49             | 19           | 4     | 3    |

طبق داده‌های جدول 7، عوامل علمی بیش از عوامل غیرعلمی در اشتغال دانش‌آموختگان موثر بوده‌اند.

**جدول 7: عوامل موثر بر اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی بر حسب درصد**

| عوامل                                    | علمی | غیرعلمی |
|--|------|---------|
| درصد نقش عوامل بر اساس نظر دانش‌آموختگان | 59   | 41      |

نتایج مصاحبه آنلاین نشان داد تناسب شغلی در رشته روانشناسی نسبتاً مطلوب است و اشتغال دانش‌آموختگان در بخش دولتی بیشتر از بخش خصوصی و خوداشتغالی است. برخی از آنها حاضر بودند با حداقل حقوق در بخش دولتی مشغول کار شوند. طول دوره بیکاری پس از فراغت از تحصیل در تمام مصاحبه‌ها بیش از یک سال بود و بسیاری اشاره می‌کردند در طول مدت بیکاری نتوانسته‌اند تجربیات ارزش‌مندی را کسب کنند. طبق اظهارات ارائه شده در مصاحبه‌ها حقوق سالانه دانش‌آموختگان طبق قیمت ارز مرجع در سال 1389 و 1390 بین 4 تا 5 هزار دلار بود که تا حدودی با یافته‌های حاصل از پرسشنامه انطباق دارد. چشم‌انداز شغلی بین وضعیت مطلوب و نامطلوب قرار داشت و وقتی صحبت از استراتژی‌های جستجوی شغلی می‌شد، به ارتباطات به عنوان مهمترین راهبرد اشاره نموده، و بیان می‌کردند ارسال رزومه برای کارفرمایان تأثیری در پیدا کردن شغل ندارد.

**مطالعه دوم.** با استفاده از نظریه زمینه‌ای و انجام کدگذاری، داده‌های کیفی در 9 مقوله اصلی مطابق جدول 8 طبقه‌بندی شدند.



### جدول 8. مقوله‌های مستخرج از داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در گروه‌های کانونی

| مقوله‌های عمده            | توضیحات  |
|---------------------------|--|
| 1. ویژگی‌های فردی         | تقریباً نیمی از دانش‌آموختگان شرکت‌کننده در گروه‌های کانونی شاغل و نیم دیگر متاهل هستند.   |
| 2. تناسب شغلی             | به دلیل اینکه ارائه خدمات روانشناختی تخصصی مستلزم دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر است. در خصوص دانش‌آموختگان با مدرک کارشناسی عدم تناسب شغلی مشهود است. |
| 3. اشتغال در بخش دولتی    | نیمی از شاغلین در بخش خصوصی و نیم دیگر در بخش‌های دیگر جامعه توزیع شده‌اند.  |
| 4. اجبار برای ادامه تحصیل | تاکید بر استفاده از فرصت‌های زندگی و لذت‌بردن از آن به‌جای الزام برای ادامه تحصیل.   |
| 5. طول دوره بیکاری        | به دلیل فرآیند طولانی جذب دانش‌آموختگان در خدمات روانشناختی، میانگین دوره بیکاری به دو سال می‌رسد.   |
| 6. حقوق سالانه            | حقوق شاغلین بخش خصوصی، افراد خوداشتغال و شاغل در پست‌های مدیریتی بیشتر از سایرین است.  |
| 7. چشم‌انداز شغلی         | چشم‌انداز شغلی رشته روانشناسی در سطح عالی قرار دارد.   |
| 8. راهبردهای جستجوی شغل   | شبکه‌های دوستی، نحوه استفاده از این شبکه‌ها و ارسال رزومه برای کارفرمایان مهمترین راهبردها هستند.  |
| 9. عوامل موثر بر اشتغال   | کار پاره‌وقت و تدریس داوطلبانه و بدون دریافت حقوق مهمترین عامل اشتغال است.   |

برخی از دانش‌آموختگان شرکت‌کننده در گروه‌های کانونی می‌گفتند به دلیل اینکه نتوانسته‌اند شغل مرتبط با رشته تحصیلی‌شان را بیابند، جذب مشاغلی شده‌اند که ارتباطی به رشته آنها ندارد. برخی پرداختی‌های بالای برخی موسسات را صرف‌نظر از تناسب شغلی، عامل اشتغال می‌دانستند. یکی از آنها به عوامل خانوادگی اشاره کرد، و دیگری می‌گفت دیر یا زود شغلش را تغییر می‌دهد. دانش‌آموختگان مرد بیش از زنان به کارهای مدیریتی علاقه‌مند بودند. با این وجود، اکثر دانش‌آموختگان رشته روانشناسی می‌گفتند شغل‌شان با رشته تحصیلی‌شان تناسب ندارد و در خصوص علت این امر اظهار می‌کردند که چون تحصیلات کارشناسی مهارت‌های تخصصی را عرضه نمی‌کند، و صرفاً به برخی از مهارت‌های عمومی را پرورش می‌دهد، آنها نمی‌توانند جذب مشاغل تخصصی روانشناسی شوند. نیمی از دانش‌آموختگان در بخش خصوصی، 13 درصد به صورت خود اشتغالی، 16 درصد در بخش دولتی، 14 درصد در موسسات آموزشی و 7 درصد بقیه در سازمان‌های خیریه شاغل بودند (فاگ هارینگتون، و هارینگتون، 2004). به نظر دانش‌آموختگان یکی از دلایل تمایل به اشتغال در بخش خصوصی، پرداختی نسبتاً بالای آن در مقایسه با بخش دولتی است. در جلسات گروه‌های کانونی به طور مکرر از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا ضرورت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را بیان نمایند. بسیاری از آنان (حتی کسانی که بیکار بودند) الزامی برای این کار نمی‌دیدند و اغلب بر بهره‌گیری از فرصت‌های زندگی و لذت‌بردن از آن تأکید می‌کردند. برخی از شاغلین می‌گفتند اولویت اصلی آنها این است که کارشان را به بهترین نحو ممکن انجام دهند و دغدغه‌ای برای کسب مدارج دانشگاهی بالاتر ندارند. این ایده در بین دانش‌آموختگان کانادایی‌الاصول بیشتر از دانش‌آموختگان غیربومی نظیر آسیایی‌های مقیم کانادا بود. میانگین طول دوره بیکاری دانش‌آموختگان نزدیک به دو سال بود (تقریباً نزدیک به وضعیتی که دانش‌آموختگان دانشگاه تهران داشتند اما علت‌ها متفاوت بود). دلیل طولانی شدن دوره بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه آلبرتا الزاماً فقدان شغل نبود، بلکه بیشتر به خاطر فرآیند طولانی جذب دانش‌آموختگان بود. جمع‌بندی از بحث‌ها این بود که فرآیند جذب دانش‌آموختگان به دلیل مصاحبه‌های مکرر و انجام کار آزمایشی و طی کردن دوره دستیار چندین سال طول می‌کشد و در نتیجه دوره

فصل نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، علمی - پژوهشی، شماره 3، سال پنجم

بیکاری پس از فارغ التحصیلی طولانی می‌شود. اما اگر دانش‌آموخته‌ای از شایستگی‌های لازم برخوردار باشد، پس از طی کردن مراحل استخدام، می‌تواند به راحتی جذب کار شود. بر اساس مستندات گردآوری شده از مرکز اشتغال دانشگاه آلبرتا و مصاحبه‌های انجام شده در جلسات گروه‌های کانونی حقوق و مزایای دانش‌آموختگان شاغل رشته روانشناسی به صورتی که در جدول 9 آمده است، تنظیم گردید.

#### جدول 9: میزان حقوق سالانه دانش‌آموختگان دانشگاه آلبرتا در رشته روانشناسی بر اساس دلار کانادا

|  |                    |
|--|--------------------|
| کارشناس خدمات روانشناسی با مدرک لیسانس روانشناسی   | 55 تا 60 هزار دلار |
| مدیر مرکز خدمات روانشناسی با مدرک لیسانس روانشناسی | 80 تا 90 هزار دلار |
| منتشی با مدرک لیسانس روانشناسی                     | 30 تا 35 هزار دلار |

بر اساس نتایج برگرفته از جلسات مصاحبه در قالب گروه‌های کانونی و فراوانی پاسخ‌های ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان چشم‌انداز شغلی رشته مورد مطالعه در جدول 10 نشان داده شده است.

#### جدول 10: چشم‌انداز شغلی رشته روانشناسی در دانشگاه آلبرتا بر حسب درصد

| رشته تحصیلی | عالی | خوب | ضعیف |
|-------------|------|-----|------|
| درصد        | 70   | 21  | 9    |

داده‌های جدول 10 حاکی از چشم‌انداز مطلوب رشته روانشناسی از نگاه دانش‌آموختگان است. ابراز علاقه شرکت‌کنندگان به رشته تحصیلی‌شان در تمام جلسات مصاحبه مشهود بود. علی‌رغم فرآیند نظام‌دار جذب دانش‌آموختگان، بسیاری از آنان بر اهمیت شبکه‌های دوستانه در استخدام تاکید داشتند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در ایران و کانادا را در قالب دو مطالعه جداگانه در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و دانشکده علوم انسانی دانشگاه آلبرتا مورد بررسی قرار می‌دهد.

**مطالعه اول:** نتایج مطالعه در دانشگاه تهران نشان داد بیشترین میزان اشتغال به سال 1380 بر می‌گردد و از سال 1381 به بعد میزان بیکاری دانش‌آموختگان رشته روانشناسی افزایش می‌یابد. در این زمینه پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز نشان می‌دهند با افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های ایران در طی 56 سال گذشته نرخ بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی، فنی و پزشکی روند صعودی (فراپی مقدم، 1377. شاه حسینی، 1369. اسدزاده، 1382)، و چشم‌انداز شغلی آنان روند نزولی داشته است (علی‌بیگی و زرافشان، 2006). اما در مقابل گزارش‌های مربوط به مرکز دولتی استان آلبرتا در کانادا و مرکز آمار اشتغال امریکا میزان تقاضا برای کار معلمی و خدمات روانشناختی را از سال 2004 به بعد بیش از عرضه برآورد نموده و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این رشته‌ها را امیدوارکننده توصیف می‌کنند (اداره اشتغال و مهاجرت دولت کانادا، 2009 ب. فاگ، هارینگتون و هارینگتون، 2004). در این راستا، تیلاک (2011) نیز به افزایش فرصت‌های شغلی برای معلمان، مشاوران و

وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران و ...

مددکاران اجتماعی در کشورهای امریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند و استرالیا اشاره می‌نماید. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی از حیث میزان اشتغال، تناسب شغلی، نوع اشتغال، اجبار برای ادامه تحصیل و چشم‌انداز شغلی تا حدودی رضایت‌بخش است. در راستای این نتیجه، پژوهش علیزاده (1387) نشان داد بیشترین تناسب شغلی در گروه علوم تربیتی و روانشناسی مربوط به رشته‌های روانشناسی، مشاوره و آموزش کودکان استثنائی است، و بهرامی (1376) به این نتیجه رسید که در میان رشته‌های علوم انسانی، رشته مشاوره و روانشناسی بیشترین تناسب شغلی را دارند. اما طبق یافته‌های پژوهش پدیریان (1372) بیشترین تناسب شغلی به دانش‌آموختگان فنی و مهندسی و کمترین تناسب شغلی به دانش‌آموختگان علوم انسانی و علوم تربیتی مربوط می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد طول دوره بیکاری اغلب دانش‌آموختگان رشته روانشناسی بین 1 تا 3 سال است. در این راستا، یافته‌های لیوانس (2010) در کشور یونان نشان داد مدت زمان دوره بیکاری پس از دانش‌آموختگی در همه رشته‌های تحصیلی 20 ماه، و در برخی رشته‌ها مانند کتابداری، علوم کاربردی، تربیت بدنی، علوم انسانی و علوم اجتماعی به ترتیب 35، 29، 25، 24 و 23 ماه است که این نتایج تا حدود زیادی یافته‌های پژوهش حاضر را تایید می‌کند. یافته‌ها نشان داد میزان درآمد دانش‌آموختگان بر اساس قیمت ارز مرجع تقریباً بین 4 تا 6 هزار دلار است و شبکه‌های دوستی که در ایران به پارتی معروفیت دارند، مهمترین راهبرد دانش‌آموختگان برای شغلیابی است. نتایج مصاحبه آنلاین نیز یافته‌های حاصل از مطالعه پیمایشی را تایید نمود.

**مطالعه دوم:** نمونه‌های پژوهش در مطالعه دوم از بین دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دو رشته آموزش ابتدایی و متوسطه در سال‌های 2004 تا 2010 انتخاب شدند. بیشتر دانش‌آموختگان شرکت‌کننده در گروه‌های کانونی شاغل و متاهل بودند و بیشترشان به دلیل پرداختی‌های بالای بخش خصوصی در این قسمت مشغول به کار شده بودند. در این زمینه، تیلاک (2000) در کشور جمهوری دومینیکن رابطه معنی‌داری بین رشته تحصیلی و نوع اشتغال اعم از خصوصی و دولتی پیدا نکرد، و یافته‌های متوس (2000) حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین نوع اشتغال و رشته تحصیلی بود. طبق مصاحبه‌های صورت گرفته در گروه‌های کانونی اغلب کانادایی‌ها بر استفاده از فرصت‌های زندگی و لذت بردن از آن به جای الزام برای ادامه تحصیل تاکید می‌کردند. طول دوره بیکاری حدود 2 سال بود که این زمان با نتیجه پژوهش‌های انجام شده در سایر کشورها قرابت زیادی دارد. یافته‌های لیوانس (2010) در کشور یونان از آن جمله است. میزان حقوق دانش‌آموختگان بخش خصوصی بیشتر از بخش دولتی بود و چشم‌انداز شغلی‌شان نیز نسبتاً عالی بود و این شرایط شاید به این خاطر است که این ایده به خوبی جا افتاده که علاوه بر کلینیک‌های روانشناسی، بسیاری از سازمان‌های نظامی، صنعتی و تجاری می‌توانند خواهان استفاده از خدمات دانش‌آموختگان این رشته در قالب مشاور و مددکار اجتماعی باشند (کوتر و مورگان، 2007، مرکز آمار اشتغال، 2004). به دلیل اینکه ارائه خدمات روانشناختی تخصصی مستلزم دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر است، در خصوص دانش‌آموختگان با مدرک کارشناسی عدم تناسب شغلی مشهود بود. در این راستا، سازمان چشم‌انداز شغلی کانادا (1990) نیز یکی از مشکلات اساسی دانش‌آموختگان کشور کانادا را متناسب نبودن شغل با علایق و مهارت‌های آنان می‌داند. شبکه‌های دوستی مهمترین راهبرد شغلیابی برای افراد جویای کار بود. در این خصوص اداره اشتغال و مهاجرت دولت کانادا (2007، 2008) راهبردهای مختلفی را برای شغل یابی مطرح

نموده که یکی از آنها گفتگو با افراد و ارتباطات دوستانه است. یافته‌های به دست آمده از گروه‌های کانونی در دانشگاه آلبرتا حاکی از آن بود که کار پاره‌وقت و داوطلبانه مهمترین عامل اشتغال دانش‌آموختگان است. در این راستا، گرچه از نظر اداره اشتغال و مهاجرت دولت کانادا (2007، 2008) راهبردهایی نظیر مطالعه در زمینه مشاغل، جستجو از طریق اینترنت، گفتگو با افراد، ارتباطات دوستانه، شرکت در کارگاه‌ها، ارسال رزومه برای کارفرمایان، استفاده از خدمات مرکز اشتغال دانشگاه و مطالعه آگهی‌ها و روزنامه‌ها اهمیت دارند، اما آسم (1989) برخورداری دانش‌آموختگان از مهارت‌های محاسباتی و فنی و دانش کاری را در این زمینه مهم می‌داند و کوتر و مورگان (2007) در مورد دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی رشته‌های تعلیم و تربیت و روانشناسی بر این نکته تاکید می‌ورزند که اگر این افراد در ابتدا به‌عنوان دستیار پژوهشی زیر نظر یک استاد دانشگاه یا فرد متخصص دیگر کار کنند، بهتر می‌توانند شغل دلخواه خود را به‌دست آورند.

دو نمونه از وجه اشتراک‌های به دست آمده از دو مطالعه انجام شده عبارتند از:

1. در هر دو مطالعه، طول دوره بیکاری دانش‌آموختگان پس از دانش‌آموختگی تقریباً یکسان بود. اما احتمالاً دلایل طولانی شدن این دوره در دو جامعه متفاوت است. در جامعه مورد مطالعه در کانادا استخدام تابع فرآیندی طولانی (کار داوطلبانه، پاره وقت، مصاحبه در چندین مرحله، مرحله آزمایشی و نهایتاً استخدام تمام وقت) است و پس از استخدام نیز تضمینی مبنی بر ادامه کار با عملکرد ضعیف وجود ندارد و هر لحظه امکان از دست دادن شغل وجود دارد. اما در جامعه مورد مطالعه در ایران، استخدام تابع قوانین خاص استخدام کشوری است و هر چند سال یک بار از طریق آزمون سراسری استخدامی انجام می‌شود و به محض استخدام در دستگاه دولتی با هر سطحی از عملکرد، شغل فرد تضمین شده می‌باشد.

2. در هر دو مطالعه شبکه‌های دوستی مهمترین راهبرد جستجوی شغل بود.

چهار مورد از وجه افتراق‌های به دست آمده از دو مطالعه انجام شده عبارتند از:

1. در جامعه مورد مطالعه در ایران هر چه جلوتر می‌رویم، بر میزان بیکاری دانش‌آموختگان افزوده می‌شود، اما طبق مستندات و مصاحبه‌های انجام شده در گروه‌های کانونی در جامعه مورد مطالعه در کانادا چشم انداز شغلی دانش‌آموختگان رشته روانشناسی با گذشت زمان بهتر می‌شود.

2. بر اساس یافته‌ها، میزان دریافتی دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در کشور کانادا چندین برابر میزان دریافتی دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران است. در این خصوص، ذکر دو نکته ضروری است: اول اینکه گرچه هزینه‌ها در کشور کانادا بالاتر از ایران است، اما احتمالاً مبلغ این هزینه‌ها به مراتب کمتر از چندین برابر هزینه‌های ایران است. نکته دوم اینکه حجم کار دانش‌آموختگان شاغل در کانادا بالاست و به دلیل ارزیابی‌های مداوم از عملکردها کیفیت، دقت و سرعت انجام کارها و مسئولیت‌پذیری افراد در سطح بالایی است.

3. یافته‌های به دست آمده از گروه‌های کانونی در دانشگاه آلبرتا حاکی از آن بود که کار پاره‌وقت و داوطلبانه مهمترین عامل اشتغال دانش‌آموختگان است، در حالی که این موارد به عنوان یک فرهنگ کاری در جامعه مورد مطالعه در ایران مطرح نیستند.

4. در جامعه مورد مطالعه در ایران اشتغال تمام وقت در بخش دولتی یکی از مهمترین آرزوهای جوانان است. اما طبق مستندات و مصاحبه‌های انجام شده در گروه‌های کانونی در جامعه مورد مطالعه در کانادا اشتغال به کار در

وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته روانشناسی در ایران و ...

بخش خصوصی از اولویت بیشتری برخوردار است و پرداخت حقوق و مزایا در این بخش نیز به مراتب بیشتر از بخش دولتی است.

### پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزان آموزشی

1. برنامه‌ریزان آموزشی در سطح وزارتخانه به بازار کار و نیازهای واقعی جامعه توجه نموده و فقط برای برآورده شدن تقاضای اجتماعی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاهها را بالا نبرند. البته برخی از رشته‌ها بازار کار خوبی دارند و این پیشنهاد فقط مربوط به رشته‌هایی می‌شود که با نیازهای بازار کار و جامعه از تناسب کافی برخوردار نیستند.

2. بانک اطلاعات کامل از دانش‌آموختگان از طریق تاسیس مرکز اشتغال دانشجویی در دانشگاه‌ها تهیه شود تا از این طریق نسبت به معرفی دانش‌آموختگان به بازار کار، ارائه تسهیلاتی از قبیل وام‌هایی با بهره کم جهت خود اشتغالی و کارآفرینی، انتشار هفته‌نامه دانش‌آموختگان، معرفی فرصت‌های اشتغال متناسب با تحصیلات عالی دانش‌آموختگان اقدام گردد.

3. نسبت به آموزش کارآفرینی در طی دوران تحصیل و حتی پس از آن اقدام شود.

4. کارگاه‌های آموزشی در زمینه اشتغال و آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی، رزومه نویسی و ارسال برای کارفرمایان و راهبردهای جستجوی شغلی برگزار گردد.

5. جهت شناسایی بیشتر رشته روانشناسی از کارفرمایان در قالب همایش و کنفرانس دعوت به عمل آید.

6. جهت عملیاتی کردن محتوای رشته روانشناسی به تناسب نیاز جامعه، برنامه‌های درسی این رشته مورد بازنگری قرار گیرد.

7. دوره‌های کارآموزی بیشتری در برنامه‌های درسی رشته روانشناسی گنجانده شود و از این طریق ارتباط عمیق‌تری بین دانشکده‌های روانشناسی و سایر موسسات برقرار گردد.

8. فرایند جذب نیروی انسانی به ویژه در رشته روانشناسی مورد بازنگری جدی قرار گیرد و بر اساس یک فرایند نظام‌دار ابتدا نسبت به جذب افراد به صورت پاره وقت اقدام گردد و سپس بر اساس عملکرد افراد در دوره کار پاره وقت و مصاحبه با افراد در چندین مرحله نسبت به استخدام یا عدم استخدام آنان تصمیم‌گیری شود. پس از استخدام نیز با انجام ارزیابی‌های مستمر از عملکرد افراد در خصوص تداوم همکاری آنان تصمیم‌گیری شود.

### منابع

اسدزاده، احمد (1382). مطالعه و تبیین مزیت‌های نسبی منطقه‌ای در اشتغال‌زایی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی، تهران:

موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ایران

امیری، محمدعلی (1387). بررسی مسائل نیروی انسانی متخصص در ایران، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ایران

بازرگان، عباس (1387). روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، نشر دیدار، چاپ اول

بهرامی، احمد (1376). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز در طی سالهای 1375-370. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، اهواز: دانشگاه اهواز، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

- پدربان، علی (1372). توانمندی های شغلی دانش آموختگان، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ایران
- سهرابی، سعید و همکاران (1376). بررسی عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ایران
- شاه حسینی، معصومه (1372). بررسی عوامل موثر بر جذب ماماها و تاثیر آن بر شاخص های اساسی سلامت مادر و کودک، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران
- ضرغامی، مصطفی (بهار 1379). "مشکلات اشتغال و بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی، تنگناها، زمینه‌ها، راه حل‌ها"، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره 2، سال هشتم
- عزیز ملایری، وحید (1372). بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دوره‌های کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی در واحدهای دانشگاهی ملایر و اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران
- عزیزی، نعمت الله (1383). اشتغال و آموزش عالی، دایره المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
- عزیزی، بهنام و حسینی، مریم (1388). نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، جهاد، 247: 165-182
- علیزاده، محمد (1387). بررسی بازار کار و تعادل عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص کشور، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- قارون، معصومه (1385). تحلیل و برآورد تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی (طرح تحقیقاتی)، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- قرایی مقدم، حسین (1377). بررسی وضع اشتغال دانش آموختگان در ایران، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- مظفری، اسد (1386). بررسی و مطالعه مزیت های منطقه‌ای در اشتغالزایی دانش آموختگان توسط دانشگاه منطقه دانشگاه بوعلی سینا در استانهای همدان، کرمانشاه، زنجان و کردستان، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- میر کمالی، محمد (1372). تحلیلی بر توانمندی های شغلی فارغ‌التحصیلان، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره 4: 14-37
- یزدان پناه، محمد حسین (1375). بررسی نظر فارغ‌التحصیلان ورودی سالهای 1363-1361 رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) درباره رابطه آموزش و اشتغال و میزان اثر بخشی آموخته‌های آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران

## Reference

- Alberta Career Development and Employment. (1991a). Summary of Alberta results from 1987 follow-up of 1982 graduates. Edmonton, AB: Labor Market Research and Information Branch, Policy and Research Division.
- Alberta Career Development and Employment. (1991b). Summary of Alberta results from the 1988 survey of 1986 graduates. Edmonton, AB: Labor Market Research and Information Branch, Policy and Research Division.
- Alibeige, A., & Zarafshani, K. (2006). Are agricultural graduates meeting employers' expectations? A perspective from Iran. *Perspectives in Education*, 24(3): 53-61.
- Baumgardner, Steve R. (1989). College and jobs: Conversations with recent graduates. Eau Claire, Wisconsin: Human Sciences Press.
- Bureau of Labor Statistics. (2004). Occupational outlook handbook. Retrieved

- February 23, 2012, from <http://stats.bls.gov/oco/ocoiab.htm>.
- Canadian Occupational Projection System (COPS). (1990). Job futures: Experience of recent graduates. An occupational outlook in 1995. Ottawa, ON: Nelson Canada/Department of Employment and Immigration.
- Clement C. Mary. (2007). The definitive guide to getting a teaching job. Rowman & Littlefield Education Group, Inc. [www.rowmaneducation.com](http://www.rowmaneducation.com)
- Creswell, J, W . (2003) . Research design: qualitative, quantitative and mixed methods approaches, second edition, Thousand Oaks, CA: sage publication.
- Filer, R., Hamermesh, D. S., & Rees, A. E. (1996). Economics of work and pay. HarperCollins: New York.
- Ghuang, H. (1999). Estimating the determinants of the unemployment duration for college graduates in Taiwan. *Applied Economics Letters*, 6, 677–681.
- Fine, Janet. (2005). Opportunities in teaching careers. New York: McGraw-Hill.
- Foggg, Neeta P. Harrington, Paul E & Harrington, Thomas F. (2004). College majors hand book, second edition, JIST, Works American Career Publisher, p260.
- Gallacher, Jim, (2010), widening access in higher education *in Scotland, Higher Education Quarterly*, Vol.60, Issue. 4.
- Government of Canada, Alberta Employment and Immigration. (2009a). Assessing you, the first step in career planning, available at [alis.alberta.ca/publications](http://alis.alberta.ca/publications).
- Government of Canada, Alberta Employment and Immigration. (2009b). Working in Alberta, available at [alis.alberta.ca/publications](http://alis.alberta.ca/publications).
- Government of Alberta, Alberta Employment and Immigration. (2008). Advanced techniques for work search, Alberta Employment and Immigration, available at [alis.alberta.ca/publications](http://alis.alberta.ca/publications).
- Government of Alberta. (2007). A guide for new job seekers, Alberta Employment and Immigration, available at [alis.alberta.ca/publications](http://alis.alberta.ca/publications).
- Government of Alberta. (2011). Your Rights and Responsibility at Work, Alberta Employment and Immigration, available at [alis.alberta.ca/publications](http://alis.alberta.ca/publications).
- Johnson, R; A,J. Onwuegbuzie and L.A. Turner . (2007) .Toward a definition of mixed methods research, *Journal of Mixed Methods Research*, 1; 112.
- Johnson, B and L Cheristensen (2008) .Educational research: qualitative, quantitative and mixed approaches. Needham heights: Allyn and Bacon.
- Krejcie, R.V. & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement*. 30,604.
- Kutter, Tara L. & Morgan, Robert, D. (2007). Careers in psychology: Opportunity in a changing world, Second edition, Thomson higher education, Wadworth.
- Li, F. L., Ding, X. H., & Morgan, W. J. (2008). Job search channels and educational level in China: Testing the screening hypothesis. *China: An International Journal*, 6(2), 261–277.
- Livanos, Ilias .(2010). The relationship between higher education and labour market in Greece: the weakest link? *High Education*. 60:473–489
- Malloch Brown, Mark. (2010). Administrator UNDP human, *Human Development*

- Report*, Published for the United Nations Development Program (UNDP), New York, Oxford, Oxford University Press.
- Martinez, A., Sedlacek, W. & Bachhuber, T. (1987). Career status and satisfaction of recent graduates in business and in arts and humanities. *Journal of Employment Counseling*, 24 (2), 53-55.
- Metoth, Ilian . (2000). *Education and the lifetime pattern of employment. Journal of Political Economy*, 68(2), 114-123.
- McIntosh, Steven . (2008). Education and employment in OECD countries, Paris, UNESCO: International Institute for Educational Planning.
- Mincer, J. (1991). *Education and Unemployment, NBER Working Papers # 3838*.
- Morshidi, S.(2009). Internationalization and commercialization of research output of universities: Emerging issues in Malaysian education 2006-2010 .Paper Presented at the Regional Symposium on Comparative Education and Development in Asia, 24-25 September 2009, Taiwan.
- Nickel, S. (1979). Education and the lifetime pattern of employment. *Journal of Political Economy*, 87(5),117-131.
- OECD. (2000). From initial education to working life. Paris: OECD.
- Pezeshki Rad, Gh., Mohamadzadeh nasrabadi, M, & Bruening, T. (2005). An assessment of vocational and technical higher education effect on employment in the north western provinces, Iran. *AIAEE Proceeding of the 21<sup>st</sup> Annual Conference*, San Antonio, TX. pp. 420-430.
- Tashakkori, A; and C. Teddlie . (1998) . *Mixed methodology: Combining qualitative and quantitative approaches*, Thousand Oaks, CA: sage publication.
- Tilak, Jandhyala B.G. (2011). Trade in higher education: The role of the General Agreement on Trade in Services (GATS), Paris, UNESCO: International Institute for Educational Planning.
- Tilak, Jandhyala.(2000). Higher education in developing country.(Book Review), *Minerva*, Vol.38,pp.23-27.
- Tashakkori, A; and C. Teddlie . (2002) . *Handbook of mixed methods*, first edition, sage publication.
- Woolbers, M. H. (2000). The effects of level of education and mobility bet on employment and unem- ployment in the Netherlands. *European Sociological Review*, 16(2), 185-200.
- Yang, X. (2010). Access to higher education for rural-poor students in China. *Educational Research for Policy and Practice*, 9(3), 193-209.
- Useem, M. (1989). *Liberal education and the corporation: The hiring and advancement of college graduates*. New York.